

تاریخ سری مغولان

«منگول – اون – نی اوچا – توبچی – ان»

Monggol-un-niuča-Tobči-an

ترجمه از مغولی به فرانسه

پل پلیو

ماری – دومینیک اِون

رودریکا پوپ

ترجمه از فرانسه به فارسی

دکتر شیرین بیانی

(استاد دانشگاه تهران)

فهرست

۱	بخش نخست
۳	مقدمه مترجم (بر بخش نخست)
۵	پس از سال‌ها
۷	مقدمه پل پلیو
۱۱	پیش‌گفتار
۱۳	فصل اول
۳۱	فصل دوم
۴۳	فصل سوم
۵۷	فصل چهارم
۶۹	فصل پنجم
۸۳	فصل ششم
۹۵	بخش دوم
۹۹	مقدمه مترجم (بر بخش دوم)
۱۰۱	پیش‌گفتار
۱۰۵	مقدمه
۱۰۷	تاریخچه یک اکتشاف
۱۱۴	منابع
۱۱۶	ترجمه اسامی خاص
۱۱۷	یادداشت درباره آوانویسی
۱۲۱	فصل هفتم
۱۳۹	فصل هشتم
۱۵۹	فصل نهم
۱۷۳	فصل دهم
۱۸۷	فصل یازدهم
۲۰۵	فصل دوازدهم

۲۲۳	فهرست‌ها
۲۲۴	تذکرهای لازم
۲۲۵	کسان
۲۴۵	قبیله‌ها و ایل‌ها
۲۵۱	جای‌ها
۲۶۰	اصطلاحات

«بخش نخست»

مقدمه مترجم (بر بخش نخست)

ایران طی تاریخ خود، سه یا چهار حادثهٔ خطیر و مصیبت‌بار را پشت سر گذاشته، که یکی از آنها حملهٔ مغول و سپس دوران حکومت این قوم بر ایران است که بر سراسر زندگی آن سایه افکنده و فصلی جدید در تاریخ این سرزمین گشوده، که آثار آن تا قرن‌های متمادی، همچنان مشهود و نمودار است. بدین ترتیب دورهٔ مغول، یکی از مهم‌ترین بخش‌های مطالعات تاریخ ایران را تشکیل می‌دهد، که از جهات مختلف مادی و معنوی، شایان توجه و دقت است. البته تا به امروز قسمت‌های مختلف این دوره، مورد بررسی و تحقیق دانشمندان خارجی و ایرانی قرار گرفته و با نقطه نظرها و سلیقه‌های گوناگون، فصولی از آن گردآوری و مدون شده است؛ ولی هنوز بسیار است گفتنی‌هایی که ناگفته مانده و دانستنی‌هایی که از پس پردهٔ ابهام بیرون نیامده است.

خوشبختانه تقریباً هیچ دوره‌ای از تاریخ، از لحاظ غنای متون و منابع، به این دوره نمی‌رسد؛ از اینرو پژوهندگان این راه، چراغ روشنی فراراه خود دارند. یکی از این متن‌های تراز اول و بسیار مهم، «تاریخ سرّی مغولان» یا اصطلاحاً «یوان چائوپیی شه» است، که پس از مرگ چنگیز و به هنگام جوانه زدن حکومت مغول تدوین گشته و نه تنها از لحاظ تاریخی، بلکه از نظر اجتماعی و ادبی نیز بسیار مهم و بارز است.

اهمیت آن از لحاظ سیاسی بدین علت است که چگونگی تشکیل ایلات، به هم پیوستگی آنها، تشکیل حکومت مغول توسط چنگیزخان و بسط و گسترش و خلاصه تبدیل شدن آن به حکومت جهانی، با دقت و با تمام جزئیات، مورد بررسی قرار گرفته است.

چنانچه گفته شد، اهمیت اجتماعی آن نیز کمتر از ارزش سیاسی‌اش نیست؛ زیرا چگونگی زندگی ایلی از جنبه‌های مختلف مادی و معنوی، آداب و رسوم، مذهب، پیوندهای خانوادگی، نفرت‌ها و انتقام‌ها و سپس اقتصاد صحرانشینی با جزئیات آن شرح داده می‌شود. اسامی ایلات و قهرمانان و رؤسا، و اسامی جغرافیایی، با دقت ذکر می‌گردد؛ به قسمی که خواننده با قهرمانان تاریخ قدم به قدم پیش می‌رود و خود را در استپ شریک زندگی قبایل قرون وسطای آسیای مرکزی می‌یابد.

این کتاب که قدیمی‌ترین سند موجود در مورد چنگیزخان و فرزندان وی و چگونگی تأسیس حکومت مغول است، بی هیچ تردیدی مورد استفادهٔ تاریخ‌نویسان بعدی قرار گرفته که نمونهٔ بارز آن خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی صاحب «جامع التواریخ» می‌باشد که در اغلب موارد، مطالب آن را رونویسی کرده است. از نام نویسنده یا نویسندگان آن بی‌خبریم؛ ولی آنان می‌بایست از یاران نزدیک چنگیز بوده باشند.

ارزش ادبی این اثر نیز بسیار است؛ زیرا خود اثری حماسی است و می‌توان آن را «حماسهٔ تموچین» نامید. چگونگی تولّد وی، سپس پرورش و نوجوانی‌اش، قهرمانی‌ها، شکست‌ها و فتح‌ها و عشق‌هایش، حماسه‌وار، در این اثر سروده شده‌اند. اغلب به قطعاتی برمی‌خوریم که در منتهای شدت جنگ و خونریزی و بی‌رحمی، ناگهان اثر حالتی بسیار شاعرانه می‌یابد و از شب مهتاب و رسیدن عاشق به معشوق سخن به میان می‌آید؛ و بار دیگر صبح ستیز آغاز می‌گردد؛ و وصف آنها همانگونه که اتفاق افتاده، بی‌اندکی مبالغه و با صداقت کامل صورت می‌گیرد. از شناخت «تاریخ سَرّی مغولان» مدت زمان طولانی نمی‌گذرد. مع‌هذا این اثر امروزه جای خود را در مطالعات مغولی کاملاً باز کرده و قدرش بخوبی آشکار گردیده و به زبان‌های آلمانی، روسی، فرانسه، چینی، ترکی و انگلیسی ترجمه شده است.

پلیو، دانشمند و مغول‌شناس معروف فرانسوی، با دقت خاص، نیمی از کتاب را به فرانسه ترجمه کرده است، و من این توفیق را نصیب خود ساختم که آن را از روی متن ترجمهٔ فرانسه به فارسی برگردانم. امید است در آیندهٔ نزدیک نیم دیگر متن نیز ترجمه شود و در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

این ترجمه برای مطالعات مغول‌شناسی که به قسمتی از تاریخ ما، پیوستگی یافته، کمک مؤثری است. مسلماً ترجمهٔ چنین اثری با روح حماسی و حالت شاعرانه‌ای که دارد، بسیار دشوار است. سعی شده تا حد امکان، سبک و حالت اصلی در متن فارسی حفظ شود. در خاتمه لازم است توضیحاتی دربارهٔ بعضی موارد ترجمه داده شود:

در قسمت اصطلاحات مغولی، اغلب این اصطلاحات در متن فرانسه ترجمه نشده باقی مانده بود، و دلیل آن مرگ زودرس پلیو بود، که در زیرنویس اغلب این لغات با توضیح ترجمه شده است. توضیح دیگر دربارهٔ بعضی زیرنویس‌ها در مورد آوانویسی از چینی به مغولی است، که در ترجمهٔ فرانسه آمده، ولی در ترجمهٔ فارسی ذکر آنها ضرورتی نداشته و حذف شده است.

شیرین بیانی - دی ماه ۱۳۵۰

پس از سال‌ها

مقدمه‌ای دیگر بر کتاب «تاریخ سرّی مغولان»

چهل و پنج سال پیش، زمانی که ترجمهٔ نیمی از کتاب «تاریخ سرّی مغولان» را به انجام رسانیدم، مقدمه‌ای بر آن نگاشتم که گذشت، و اینک که پس از گذشت این سال‌ها، نیم دیگر آن به اتمام رسیده است، لزوم نگاشتن مقدمه‌ای دیگر را ضروری دانستم. شگفت آنکه درازای زمانی بس طولانی در طرز اندیشهٔ من برای اتمام این کار مهم تأثیری بر جای ننهاده بود؛ و به همان اندازه لزوم آن را باور داشتم؛ زیرا «تاریخ سرّی مغولان» منبعی است که زیر و بم‌های چگونگی تشکیل حکومت مغول را به دقیق‌ترین وجه و با صداقتی خاص که نمودار سنت قبیله‌ایست، تبیین می‌نماید؛ همانگونه که برای دریافت یکی از پرمجاثرترین و سهمگین‌ترین دوران تاریخ ایران ضروری است.

سال‌هایی که بین ترجمهٔ این دو نیمهٔ گذشته، نمودار دل‌مشغولی‌ها و سرمشغولی‌های من برای بررسی جنبه‌های گوناگون عهد مغول، و تأثیر عمیق آن در ایران همان زمان از سوئی؛ و دوران‌های بعدی از سوی دیگر بوده است. پل پلیو تنها ترجمهٔ شش فصل اول کتاب، از دوازده فصل آن را به انجام رسانید، و متأسفانه عمر وی برای دنبال کردن کار نیم دیگر و اتمام کل کتاب کفاف نداد. اینک که اینجانب دست‌اندرکار ترجمهٔ نیمهٔ دوم، یعنی شش فصل دیگر گردیده‌ام، از روی یک ترجمهٔ کامل دوازده فصلی به زبان فرانسه انجام شده است، که به سال ۱۹۹۴ میلادی، توسط خانم‌ها، ماری دومینیک اِون و رودریکا پوپ^۱ در انتشارات گالیمار^۲ به چاپ رسیده؛ و مهر تأیید یونسکو را بر خود دارد.

تفاوت ترجمه‌های این دو نیمهٔ کتاب، در سبک و روش مترجمان آن است که در مقدمهٔ بخش دوم به آن پرداخته خواهد شد.

لازم به تذکر است که در تجدید چاپ «بخش اول» که اینک به «بخش دوم» متصل می‌گردد، تغییری داده نشده است.

فرجام کلام آنکه پس از سال‌ها دوری دو نیمهٔ «تاریخ سرّی مغولان» به زبان فارسی از یکدیگر، اینک آن دو با هم پیوند خورده‌اند؛ و امید آنکه کوشش من نیز چون تلاش سه مترجم ارزندهٔ فرانسوی، به ثمر رسیده، این بار جای خود را در پژوهش‌های مغول‌شناسی فارسی زبان باز نموده باشد.

دکتر شیرین بیانی – اسفند ۱۳۹۶

1- Rodrica Pop , Marie – Dominique Even.

2- Gallimard

مقدمه پل پلیو

با وجود علاقه فراوانی که نسبت به تاریخ چنگیزخان و امپراتوری وی مبذول شده و با وجود مساعی‌ای که برای روشن شدن این موضوع به کار رفته، مع‌هذا تدوین و گردآوری آن بسیار مشکل است. منابع متنوع چینی، مغولی، فارسی، عربی، ارمنی، روسی و لاتین باید مدون شوند و مورد استفاده قرار گیرند. منابعی که بیش از همه به کار ما می‌خورد، یعنی تاریخ رسمی چینی سلسله مغولی و تاریخ فارسی رشیدالدین فضل‌الله (جامع‌التواریخ) هنوز به طور کامل، بررسی و تدوین نشده‌اند.^۱ تاریخ رسمی چینی سلسله مغولی، که با شتابزدگی (کمتر از یک سال) گردآوری شده، در نیمه دوم قرن هجدهم، یعنی در زمان سقوط مغولان مورد تجدید نظر قرار گرفت و همه اسامی خاص، بر اساس نوعی اتیمولوژی^۲ تفتنی، تغییر شکل داده شد. با تغییر شکل اسامی خاص بود که اثر مورد استفاده پ. هیسینت^۳ در ترجمه «تاریخ چهار خان بزرگ اولیه» قرار گرفت.

تاریخ فارسی رشیدالدین، به طور کامل در دسترس نیست، البته سابقاً کاتمر^۴ قسمت تاریخ اولین ایلخانان ایران را با ترجمه و یادداشت‌های فراوان، با روشی منقح، چاپ کرده و شرح ایلات تاریخ چنگیزخان توسط برزین^۵ ترجمه و طبع گشته است. ولی این کتاب تا سال ۱۹۰۶ در اروپای غربی بسیار کم شناخته شده بود. در آن سال پروفیسور براون^۶ در تاریخ ادبیات ایران خود، فقط اسمی از آن برد. سرانجام م. بلوشه^۷ بقیه تاریخ مغولان رشیدالدین را برای گیب مموریال^۸ چاپ کرد که فقط یک جلدش منتشر شد و فاقد ترجمه است.

منابع مغولی را باید هم‌ردیف منابع بزرگ چینی، فارسی و حتی جلوتر از آنها دانست. متأسفانه تاکنون فقط دو تاریخ مغولی قدیمی، شناخته و چاپ شده است: یکی آلتان توبچی^۹ و دیگری تاریخ سنگ ستنس^{۱۰} که وقایع را تا قرن هفدهم آورده‌اند و اهمیت چندانی ندارند. تاریخ مغولی دیگری در دست می‌باشد که سندی بسیار مهم است، ولی نه مغول‌ها، بلکه چینی‌ها آن را حفظ کرده‌اند. این

۱- پس از پلیو این کتاب در ایران تصحیح و چاپ شده است.

2- علم اللغات

3- P. Hycinthe

4- Quatremère

5- Berezin

6- Browne

7- M. Blochet

8- Gibb Memorial Found

9- Altan- Tobči

10- Sanang-Setsen

کتاب «یوان چائوپپی شه»^۱ یا «تاریخ سَرّی مغولان» است، که اصل مغولی آن می‌بایستی متعلق به سال ۱۲۴۰ میلادی بوده باشد. این تاریخ که تا سلطنت اگتای می‌آید، باید در نیمه دوم قرن چهاردهم میلادی به زبان چینی عامیانه ترجمه شده باشد. اکنون بیش از پنجاه سال است که چین‌شناس بزرگ روسی پالادیوس^۲، در جلد چهارم کارهای هیئت ارتدوکس روسی پکن، ترجمه کامل آن را منتشر کرده است.

مورّخی چون هوارث^۳ پس از آنکه اثر خود را به اتمام رسانید، از این متن باخبر شد و م. بلوشه به کلی از آن بی‌خبر بوده است. پالادیوس خاطرنشان ساخته که نسخه‌های خطّی دیگری از آوانویسی به خطّ چینی (و فقط یک ترجمه)، از روی متن مغولی اصلی «یوان چائوپپی شه» وجود داشته است. پالادیوس بعد از ترجمه این اثر، یکی از این نسخه‌های خطّی را به دست آورده و به م. پزدنف^۴ داده و او آن را به دانشگاه پتروگراد واگذار کرده است. م. پزدنف، به کمک این نسخه خطّی، فصل اول «یوان چائوپپی شه» به حروف روسی را، بار دیگر به مغولی برگرداند. این اثر در سال ۱۸۸۰ در پتروگراد چاپ شد و اکنون نایاب است. از آن پس اغلب متذکر شده بودیم که چاپ کامل نسخه خطّی متن مغولی، که به چینی آوانویسی شده، اهمیت بسیار دارد و مورد علاقه ماست. در زمان جنگ بنا به خواسته م. دولدنبورگ^۵ تصمیم به چاپ این متن گرفته شد، ولی معلوم نشد کار به کجا رسید. سرانجام از سال ۱۹۰۸ یک چینی اهل هونان^۶ به نام یتوهوئی^۷، آوانویسی چینی متن کامل «یوان چائوپپی شه» را که نام اصلی اش «منگغول اون نی اوچاتوبچی ان»^۸ است، به چاپ رسانید که در اروپا، تا سال‌ها بعد، از این کار به کلی بی‌خبر بوده‌اند.

اخیراً از چین نسخه خطّی قدیمی خوبی با آوانویسی به چینی به دست آورده‌ام که به علت غلط‌های فراوان از جهت رسم آوانویسی چینی، برگرداندن متن اصلی کامل آن به مغولی دشوار بود. من این کار را کردم و بدین ترتیب برای اولین بار، یک تاریخ مغولی به مغولی در دست داریم که تقریباً فردای مرگ چنگیزخان نوشته شده است.

این تاریخ مغولی به مغولی، هم از لحاظ تاریخی و هم از لحاظ فیلولوژی (متن‌شناسی) و فرهنگ و ادبیات، اهمیت فراوان دارد. در این متن که خیلی کامل‌تر از ترجمه چینی است که مورد استفاده پالادیوس قرار گرفته، از نظر تاریخی، حوادث تاریخی و تعداد زیادی اسامی خاص را می‌یابیم که قبلاً

1- Yuan-tchao-Pi-she

2- Ogtâi

3- Palladius

4- Howorth

5- M. Pozdneiev

6- M. d'Oldenbourg

7- Hou-nan

8- Ye-tō-houēi

9- Monggol-un-niuča Tobči-an

هیچگاه به آنها دسترسی نبوده، یا اگر در جایی آمده بوده، در سایر منابع تغییر شکل یافته است. گذشته از آن، برای اولین بار منبعی مهم، ما را به زندگی و افکار مغول‌ها، قبل از آنکه هیچ‌گونه نفوذ لامائی آن را دگرگون ساخته باشد، وارد می‌سازد.

اما از نظر متن شناسی، نباید فراموش کرد که در نظر ما ادبیات مغولی از قرن دوازدهم میلادی آغاز می‌شود و پیش از این تاریخ، فقط یک نوشته کوتاه در دست است. امروزه باید یک شعر مغولی را نیز بدان اضافه کنیم، که نسخه‌ای از آن که در قرن چهاردهم میلادی چاپ شده، در دست است و یک کتیبه قبر متعلق به سال ۱۳۶۲ که از کان سو^۱ آورده‌ام. همچنین سند چاپ نشده دیگری نیز در برلن وجود دارد، ولی باید گفت هیچ یک از این اسناد، از نظر غنای فرهنگ لغات و موضوع، به این اثر، که دوازده یا پانزده فصل دارد و «تاریخ سرّی مغولان» را تشکیل می‌دهند، نمی‌رسد. آوانویسی چینی بر حسب قواعد ثابتی انجام گردیده و لغاتی که به کار رفته، ارزش و استحکامی فراوان دارد که حتی خطّ مغولی امروزی از آن بی‌بهره است. پس می‌توان گفت از جهات مختلف، ما زبان مغولی «تاریخ سرّی مغولان» را با آوانویسی چینی، بهتر از یک تاریخ سرّی، به زبان مغولی، می‌توانیم مطالعه کنیم. به همین دلیل است که از متن مغولی، نه به خطّ مغولی، بلکه از روی حروف چینی، استفاده کرده‌ام. «تاریخ سرّی مغولان» دارای قطعات شعر حماسی ملی است، که در کتاب‌های تاریخی قرن هفدهم میلادی، بجز یک متن ناقص و مغشوش، چیزی از آن نمی‌توان یافت.

پل پلیو^۲

1- Kan-su

2- Paul Pelliot

پیشگفتار

«تاریخ سرّی» یا «یوان چائویی شه^۱»، در نیمهٔ دوم قرن چهاردهم میلادی به چینی آوانویسی^۲ شده است. این اقدام پیش از سال ۱۳۸۲ میلادی و احتمالاً کمی بعد از ۱۳۶۸، یعنی قبل از دوره‌ای عملی شده که مجموعه‌ای به نام «یوآئی‌ئی‌یو»^۳ تدوین شده است. تصور می‌شود این متن بدین مناسبت به چینی آوانویسی شده بود تا در دستگاه مترجمان و مفسران حکومتی، به منزلهٔ تمرین کار مورد استفاده قرار گیرد.

کتاب از دو متن تشکیل شده است: متن مغولی، که به خطّ چینی آوانویسی شده و ترجمهٔ آن نیز به چینی همراه با نوشته، سطر به سطر آمده است و یک ترجمهٔ عامیانه، به زبان چینی که با متن مغولی تفاوت‌های زیادی دارد و به نظر می‌رسد که از روی متن دیگری ترجمه شده است. پل پلیو^۴، متن خود را از روی چندین نسخهٔ خطّی تدوین کرده، ولی متأسفانه ترجمه‌اش نیمه تمام مانده است. متون زیر مورد استفادهٔ وی قرار گرفته‌اند:

متنی که در سال ۱۹۸۰ توسط یتوهویی^۵ چاپ شده و متنی که در لنینگراد نگهداری می‌شود و پزدفن^۶ آن را بار دیگر به مغولی ترجمه کرده و نقایص بسیار دارد. متون دیگری نیز مورد استفادهٔ وی بوده، که یکی در Lien-yu-yits'ong-Chou چاپ شده و دیگری بخصوص نسخهٔ خطّی متعلق به دوران مینگ^۷ می‌باشد که بهترین آنها و متعلق به خود وی بوده است.

پلیو در صدد بود که تفسیر انتقادی نیز بر متن بیفزاید، ولی متأسفانه مطالعاتی را که در این باره انجام داده و یادداشت‌هایی که برداشته، هیچ کدام یافت نشده است.^۸ این متن را همان‌گونه که پلیو بر جای گذاشته، به چاپ می‌رسانیم و چون فکر کردیم شاید بد نباشد اگر قسمت‌هایی را که او ترجمه

1- Yuan-tchao-pi-she
2- Transcription
3- Yua-yi-yi-yu
4- Paul Pelliot
5- Ye-tô-houei
6- Pozdneiev
7- Ming

۸- فرهنگ لغات متن مغولی به راهنمایی پل پلیو در سال ۱۹۰۳ تدوین شده که بعداً در لغت‌نامهٔ زبان مغولی قدیمی، به چاپ رسیده است.

نکرده یا دست نخورده بر جای گذاشته است، خود شرح دهیم، از این رو توضیحات خود را بین گروه به متن اضافه کردیم. در این موارد متخصصان می‌توانند به متن اصلی چینی و به چاپی که هینیش^۱ کرده است، مراجعه کنند.

لوئی هامبی^۲

1- Haenisch
2- Louis Hambis